

بازنمایی مفهوم ملت در فضای مجازی

دکتر محمدرضا حافظ نیا^۱ / دکتر زهرا احمدی پور^۲ / عبدالوهاب خوجم لی^۳ / سلمان انصاری زاده^۴

چکیده

فرآیند شتابان جهانی شدن بعد از انقلاب صنعتی و پدیده اینترنت و فضای مجازی به عنوان یکی از برآیندهای جهانی شدن در نیمه دوم قرن بیستم، باعث تأثیر در مفاهیم پایه‌ای جغرافیای سیاسی همچون مفهوم ملت، حکومت، مرز، حاکمیت و ... شد و باعث شکل‌گیری معادل‌های مجازی این مفاهیم همچون ملت مجازی، چند هویتی شدن افراد و کم رنگ شدن مفهوم مرز، حاکمیت و ... شد، با توجه به تأثیر این‌گونه مفاهیم و شکل‌گیری فضای مجازی بر فضای واقعی زندگی انسانی؛ ضرورت پژوهش و تبیینی نو از مفهوم ملت مجازی برای سازگاری با شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عصر جدید به وجود آمده است. هدف این پژوهش بازنمایی مفهوم ملت در فضای مجازی است که خود تحت تأثیر شدید پدیده جهانی شدن قرار گرفته است. از این رو به دنبال پاسخگویی به این سؤال هستیم که آیا مفهوم ملت قابلیت بازنمایی در فضای مجازی را داراست؟ در یک مبحث جمع بندی شده این مقاله در سه قالب مفهوم ملت در سیر فرآیند جهانی شدن؛ مفهوم ملت در فضای مجازی و ملت مجازی یا جامعه اطلاعاتی مورد بحث قرار می‌گیرد. استدلال اصلی مقاله حاضر این است که: پدیده اینترنت با سرعت فوق‌العاده پردازش اطلاعات و ایجاد ارتباط منطقی میان میلیون‌ها داده اطلاعاتی در گستره وسیع جهانی باعث شده است که عوامل و عناصر سنتی تشکیل دهنده مفاهیم بشری در حوزه‌های مختلف علم حداقل در علوم انسانی کارکردی متفاوت پیدا کنند و به نظر می‌رسد که مفهوم ملت در فضای مجازی را قابل بازنمایی کرده است. لازم به ذکر است در این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و تطبیقی سعی شده است ضمن تشریح فرآیند تحول مفهوم ملت در روند جهانی شدن، تبیینی نو از مفهوم ملت مجازی در عصر حاضر با تکیه بر منابع اینترنتی و کتابخانه‌ای ارائه داده شود.

کلیدواژه: ملت، جهانی شدن، فضای مجازی، فضای واقعی، جامعه اطلاعاتی، ملت مجازی.

مقدمه

در مباحث آینده جغرافیای سیاسی سه خط سیر عمده وجود دارد که نخست مفاهیم کلیدی نظیر دولت، سرزمین، ملت و مرز مورد توجه خواهد بود. این مفاهیم مرزهای مشخصی دارند و می‌توانند جغرافیای سیاسی را از جغرافیای اقتصادی، جغرافیای فرهنگی و ... مجزا کنند. دوم؛ تمرکز بر توسعه که سبب پویایی موضوعات جغرافیای سیاسی می‌شود و حوزه مطالعات جغرافیای سیاسی را به صورت یک جغرافیای سیاسی فرا رشته‌ای گسترش می‌دهد. سومین

^۱ - استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

^۲ - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

^۳ - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

^۴ - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

خط سیر عمده که برای آینده جغرافیای سیاسی می‌توان تصور کرد، مشارکت فعال و ارائه مفاهیم فکری و نظری جدید و از سویی برقراری ارتباط با موضوعاتی نظیر مطالعات جنگ و صلح مطالعات اجتماعی - حقوقی، جغرافیای فمینیستی و ایجاد پیوند با جغرافیای سیاسی است (جونز و دیگران؛ ۱۳۸۶ : ۳۲). در جغرافیای سیاسی بحث درباره مفهوم و ماهیت شاخص‌های تشکیل دهنده ملت یکی از بحث‌های اساسی می‌باشد. از سویی مفهوم ملت در دوره‌های تاریخی مختلف با توجه به شرایط زمانی تعاریف مختلفی را به خود گرفته و از سوی دیگر تحولات تاریخی، بازتعریف در مفهوم و ماهیت شاخص‌های تشکیل دهنده ملت را اجتناب ناپذیر کرده است. در این میان نقش جغرافی دانان سیاسی در مطالعات مربوط به ماهیت ملت را می‌توان در عوامل زیر دانست:

الف) ملت‌ها در مقیاس‌های جهانی از بسیاری جهات با یکدیگر تفاوت دارند و نمی‌توان دو ملت مشابه را در دو سرزمین مجزا از هم یافت. این موضوع خود به ویژگی تفاوت میان مکان‌ها در جغرافیای سیاسی اشاره دارد.

ب) دولت‌ها همیشه سعی دارند مرزهای خود را مشخص و از آن به عنوان روشی برای کنترل مردم استفاده کنند. در حالی که امروزه در اثر گسترش ارتباطات و اطلاعات یک فضای مجازی به وجود آمده و انسان‌ها روی لبه‌های چند هویتی حرکت می‌کنند.

ج) ملت‌ها همیشه در چارچوب سرزمینی مشخصی قرار ندارند. بدین معنا که برخی ملت‌ها میان چند کشور تقسیم شده‌اند مانند: کره‌ای‌ها، اعراب و یا اینکه در یک کشور چندین ملت وجود دارد؛ مانند سوئیس، کانادا و آمریکا.

تعریف مفهوم ملت در میان نظریه پردازان مختلف مثل "آنتونی اسمیت" که معتقد به نظریه قوم‌گرایانه در پیدایش ملت بوده و نظریه "گلنر" که ملت را محصول گذار از جوامع روستایی ثابت به نظام صنعتی و جوامع متحرک می‌داند و نظریه پردازانی که وقوع انقلاب فرانسه را که باعث انتقال احراز مشروعیت حکومت به جای سرزمین به مردم شد، مبدأ پیدایش ملت می‌دانند، تا طرفدارن نظریه جهان وطنی که تحت تأثیر پدیده جهانی شدن اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اطلاعات که خود تا حد زیادی محصول شبکه اطلاع رسانی جهانی (اینترنت) می‌باشد و قائل به عدم محدودیت سرزمینی برای مفهوم ملت هستند، متغیر است. به نحوی که "ریچارد مویر" معتقد است که تقریباً تعداد نظریات مطرح شده درباره خاستگاه ملت‌ها، با تعداد نظریه پردازان برابر است. بنابراین در عصر حاضر، که

فرآیندهای جهانی شدن، حیات اجتماعی ما را رقم می‌زنند، در شرایطی به سر می‌بریم که کنترل دولت‌ها بر عبور و مرور کالا، خدمات، تکنولوژی، محصولات رسانه‌ای و اطلاعاتی که مرزهایش را درمی‌نوردند نیز کاهش یافته است. در این حالت، افراد بویژه دسترسی بسیار راحتی به مصالح هویتی دارند که از طریق رسانه‌ها عرضه می‌شود (محمدی، ۱۳۸۵). این دسترسی‌های راحت به مصالح هویتی درک تازه‌ای از هویت، چه در مقیاس فردی و چه در مقیاس بالاتر جامعه و ملت را نسبت به هویت فردی و جمعی افراد به وجود آورده است.

هلد و مک گروه نظریه پردازان جهانی شدن را به سه دسته تقسیم کرده‌اند. گروه اول جهان‌گرایان افراطی قرار دارند که معتقد به پایان الگوهای سنتی ژئوپلیتیک می‌باشند و هیچ نقش و جایگاهی برای بازیگران ژئوپلیتیک سنتی همانند حکومت‌ها و ملت‌ها در عصر جهانی شدن لحاظ نمی‌کنند. از پیروان این دسته گیه نو، کینجی اوهمای، ابراین، پل ویرلو، فوکویاما، هانتینگتون و ریچارد فالک را می‌توان نام برد که اغلب از پایان دولت-ملت‌ها (حکومت‌های ملت پایه) و مرگ جغرافیا سخن می‌گویند و عقیده دارند که ژئوپلیتیک مربوط به دوران سرزمینی است و ظهور جهانی شدن باعث از بین رفتن آنها شده است. گروه دوم واقع‌گرایان می‌باشند که در واقع نقطه مقابل جهان‌گرایان افراطی هستند و معتقدند که در عصر جهانی شدن نه تنها از اهمیت دولت-ملت‌ها کاسته نشده است بلکه بر اهمیت آنها نیز افزوده شده است. از طرفداران این نظریه می‌توان گیلپین، جونز، کراسنر، تامپسون، وایس و والتر را نام برد. از دیدگاه این گروه سه مقوله ملت، سرزمین و تاریخ در گذشته مقدس بوده و همچنان مقدس باقی خواهد ماند. والتر نیز معتقد است که قرن بیستم قرن دولت-ملت‌ها (حکومت-ملت‌ها) بوده و قرن بیست و یکم نیز چنین خواهد بود. گروه سوم متعلق به تحول‌گرایان است. آنها بر این باورند که فرایند جهانی شدن به معنای اضمحلال حکومت‌ها نیست بلکه کارکرد جدیدی را به آن می‌افزاید. همچنین پدیده‌های سیاسی مانند ملت، حاکمیت، هویت، قلمرو سرزمینی، اقلیت، بوم و ... از بین نخواهد رفت بلکه کارکرد و مفهوم آن تحول خواهد یافت. از نظریه پردازان این طیف می‌توان به افرادی چون کاستلز، دیوید هلد، آنتونی مک‌گرو، جیمز روزنا، جوزف نای و رابرت کوهن نام برد. برجسته‌ترین جغرافی‌دانان سیاسی نیز در این طیف قرار دارند و این شاید به خاطر حس تعصب آنها نسبت به مفاهیم دولت-ملت (حکومت ملت پایه)، ژئوپلیتیک، حکومت، حاکمیت، سرزمین و مرز می‌باشد که در مقابل ادعاهای جهان‌گرایان افراطی ایستاده‌اند و با آنها مقابله می‌کنند. از جمله جغرافی‌دانان سیاسی که در این گروه قرار دارند می‌توان به اتوا، اکینو، کروبرویچ، دالبی، اسلیتر، تیلور نام برد. اتوا معتقد است سرزمین سازی در آینده نیز تداوم خواهد یافت. ولی این

سرزمین زدایی با نوع قبلی آن متفاوت است. این سرزمین سازی از دیالکتیک دو تز و آنتی تز یعنی سرزمین زدایی و باز سرزمین سازی ایجاد شده است (میرحیدر، ۱۳۸۵: ۱۸-۶). در واقع بزرگترین چالشی که دولت-ملت‌ها در دو دهه اخیر با آن مواجه‌اند مفهوم جهانی شدن است که مقصدش پیوند دادن همه مردم جهان در جامعه واحد و فراگیر است (آلبرو، ۱۳۷۱: ۱۵۸). این شرایط نیاز به تبیینی نو از تغییرات در مفهوم و ماهیت عناصر تشکیل دهنده «ملت» در جهان جدید (عصر اطلاعات) را به منظور سازگاری با شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عصر جدید به وجود آورده است.

مبانی نظری

مفهوم جهانی شدن

جهانی شدن را می‌توان در بردارنده فرایندهای تغییر اجتماعی در وجوه فرهنگی؛ اقتصادی و سیاسی دانست. به عقیده واترز جهانی شدن عبارت است از: یک فرایند اجتماعی که طی آن محدودیت‌های جغرافیایی بر ترتیبات اجتماعی و سیاسی از بین می‌رود و مردم به گونه‌ای فزاینده از رفع شدن این محدودیت‌ها آگاهی می‌یابند (واترز، ۱۳۷۹: ۳). در این نگرش، جهانی شدن تشدید روابط اجتماعی در سراسر جهان دانسته می‌شود که مکان‌های دور از هم را چنان بهم مرتبط می‌سازد که اتفاقات هر محل زاینده حوادثی است که کیلومترها دورتر به وقوع می‌پیوندند (ویلیامز، ۱۳۷۹: ۱۳۸). برخی نیز جهانی شدن را افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابلی دانسته‌اند که فراتر از جوامع و دولت‌ها دامن می‌گستراند و نظام جدید جهانی را می‌سازد. در این معنا جهانی شدن به فرایندی اطلاق می‌گردد که از طریق آن حوادث، تصمیمات و فعالیت‌های یک بخش از جهان می‌تواند پیامدهای مهمی برای افراد و جوامع در بخش‌های بسیار دور کره‌ی زمین در بر داشته باشد (Scholte, 1993, pp:13-14). به نظر رابرتسون جهانی شدن همان یگانه شدن جهان است و نه وحدت و ادغام آن (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۲۵). این تعریف از جهانی شدن مبتنی بر فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی است. بر این اساس ملت مجازی و جامعه اطلاعاتی معنا پیدا می‌کند زیرا در آنها تجارت، رسانه‌ها و ارتباطات علمی در سراسر جهان یگانه می‌شوند.

مفهوم ملت در سیر فرایند جهانی شدن

برای بازنمایی کارکردی مفهوم ملت در عصر جدید ارتباطات و فضای مجازی ابتدا باید به سیر تغییرات مفهوم ملت در قبل و بعد از شروع فرایند جهانی شدن که با تکنولوژی اینترنت به‌طور بی‌سابقه‌ای تسریع شده است، پرداخت.

آنچه به طور قطع در رابطه با مفهوم ملت در سیر فرایند جهانی شدن باید بر آن تأکید کرد این است که پدیده ملت خیلی قبل تر از فرایندهای جهانی شدن در دوران جدید که از زمان رنسانس اروپا به بعد شکل گرفت، وجود داشته و با توجه به تحولات و نیازهای سیاسی و اقتصادی فرایند جهانی شدن در دوره‌های مختلف چهارچوب‌ها، ضوابط و شاخص‌هایی آن تدوین شده است. در زمینه بررسی مفهوم ملت در فضای واقعی، گلنر عقیده دارد که مسائل به گونه‌ای پیش می‌رود که آن‌چنان که انسان‌ها بینی و دو گوش دارند باید از ملیت خاصی نیز برخوردار باشند (Gellner, 1983, P:6). در ابتدا باید گفت که ریشه ملت Nation از ریشه لاتین Natio به معنای نیای مشترک و فعل Nascere به معنای زاده شدن، زایش و تولد گرفته شده است (برتون، ۱۳۸۰: ۲۴۳). این واژه از زبان لاتین به سایر زبانهای اروپایی انتقال یافت. در فرانسه کهن Nation به صورت Nacion به کار می‌رفت که معادل خاندان، تبار، ریشه و نژاد بود (آشوری، ۱۳۸۳: ۱۲). این واژه در زبان آلمانی به صورت Natio استعمال می‌شد که در ابتدا معنای اصل و ریشه داشت ولی به تدریج در مفهوم مردم به کار می‌رفت (هابزبام، ۱۳۸۱: ۲۸). تقسیم امپراتوری روم در سال ۳۹۵ میلادی؛ تقسیم امپراتوری شارلمانی بر اساس عهدنامه وردن در سال ۸۴۳ میلادی؛ تشکیل کلیسای محلی در روسیه، فرانسه، انگلیس و گسترش مذهب پروتستان در اروپا، مقدمات پیدایش قلمروهای ملی را در اروپا فراهم ساخت. نخستین انقلاب سیاسی که مفهوم جدیدی از ملت ارائه کرد انقلاب ۱۶۸۸ میلادی؛ انگلستان بود و با انقلاب فرانسه مفهوم مدرن ملت گسترش یافت. اما درباره معنا، مفهوم و منشأ پیدایش ملت در میان اندیشمندان اختلاف نظر وجود دارد. در این رابطه نظریه پردازانی همچون کانر و آنتونی اسمیت با تأکید بر پایدار و ریشه‌دار بودن پدیده ملت بر عناصر هویتی و فرهنگی در تعریف ملت تأکید می‌کنند و به طرفداران نظریه قوم‌گرایانه در رابطه با خاستگاه پیدایش ملت‌ها معروف‌اند. در این زمینه آنتونی اسمیت معتقد است افراد یک قوم پس از اسکان در یک منطقه که غالباً پس از دوره‌های متعدد مهاجرت صورت می‌گیرد، به مکان سکونت خود تعلق خاطر پیدا می‌کنند و در خلال جنگ با همسایگان خود، نسبت به اینکه از خارجی‌ها متمایز هستند و نیز درباره موقعیت مرزهای قلمرو خود، آگاه می‌شوند. از این تجارب مشترک مجموعه‌ای اسطوره و افسانه بوجود می‌آید که هویت و میراث تاریخی ملت را نشان می‌دهد (مویر، ۱۳۷۹: ۸۲). این نظریه بر خاستگاه قدیمی و پایه‌ای ملت که به طور طبیعی و از طریق روابط خویشاوندی که مفهومی اصیل تر از مفاهیم دوران جهانی شدن است تأکید دارد.

بر این پایه دیک شیت در تعریف ملت می‌گوید: «مفهوم ملت اشاره به ارتباط مردمی مشخص به یکدیگر به وسیله حس عمومی تعلق به یکدیگر که در نتیجه سهم بودن در تجربیات تاریخی مشترک، سنت، زبان، مذهب، فرهنگ، و اهداف سیاسی مشترک به وجود آمده است دارد». دیک شیت در ادامه می‌نویسد: «اگرچه سرزمین جزو خصوصیات مفهوم ملت است، شامل قلمرو سرزمینی کشور مستقل حتی با وجود آنکه مفهوم ملت یکی از مفاهیم عالی سیاسی است، نمی‌باشد» (Dikshit, 1995: 194-195). باید اشاره کرد که مفهوم قلمرو سرزمینی کشور مستقل از مفاهیم شکل گرفته در دوران جهانی شدها و از نتایج قرارداد وستفالی در ۱۶۴۸ میلادی می‌باشد.

دولت و کشور به عنوان یکی از مظاهر مدرنیته پس از تعارضات، سازواری‌ها و طی فرایندهای نوسازی طولانی فراگرد ملت سازی ظهور پیدا کرده‌اند (قوام، ۱۳۸۳: ۵۵). بنابراین برای تشریح مفهوم ملت در فرایند جهانی شدن سیر تغییرات مفهوم ملت را نمی‌توان جدا از سیر تحولات مفهوم حکومت و قلمرو سرزمینی کشور مستقل به انجام رساند. در حقیقت جهان از طریق فرایندی که دیوید هاروی (۱۹۹۰) فشردگی زمان و فضا می‌نامد، کوچک می‌شود. فاصله‌های مکانی و فضایی به دلیل تکنولوژی‌های ارتباطات و اطلاعات، اهمیت خود را از دست می‌دهند. اینترنت نمونه واقعی بر این مدعاست که جهان چگونه به سمت کوچک شدن پیش می‌رود (گیبیز و دیمر، ۱۳۸۱: ۴۹). در نظر هاروی گسست دوران مدرن با دوران سنتی با واسطه بازسازی مفهوم زمان و فضا ممکن می‌شود؛ بستر زندگی اجتماعی مدرن، فضاها محدود و معین محلی و زمان‌های دوری و فصلی مکان‌بند بود. هر گونه فعالیت و کنش اجتماعی در چارچوب چنین فضا و زمان محدود و معینی سازمان می‌یافت؛ بنابراین گستره روابط اجتماعی بسیار تنگ بود. ولی در دوره رنسانس این مفهوم و تصور سنتی از زمان و فضا برهم خورد و مفهوم زمان طولانی و خطی و فضای واحد جهانی جایگزین شد. به بیان دیگر از دوره رنسانس، به واسطه برخی تحولات و اختراعات، زمان و فضا عمومیت یافتند و فرایندی آغاز شد که هنوز هم ادامه دارد. هاروی این فرایند را «فشردگی زمان و فضا» می‌نامد. که در جریان آن زمان می‌تواند به گونه‌ای سازمان یابد که محدودیت‌های فضا را کاهش دهد و برعکس. در واقع فشردگی زمان - فضا عبارت است از کاهش زمان و کوچک شدن فضا که با آغاز فرآیند فشردگی زمان - فضا نطفه فرایند جهانی شدن نیز بسته می‌شود (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۷۹-۸۰). جغرافی‌دانان نیز در بحث فضا به شبکه‌های اطلاعاتی که مکان‌های جغرافیایی را به هم پیوند می‌دهند، تأکید می‌ورزند و معتقدند که این شبکه‌ها آثار شگفت‌انگیزی بر سازمان فضا و مکان دارد (ویستر، ۱۳۸۰: ۴۴-۴۸).

اولین رویدادی که به‌طور گسترده در سیر فرایند جهانی شدن و فشردگی زمان و فضا بر مفهوم ملت تأثیر گذاشت، انعقاد قرارداد وستفالی در ۱۶۴۸ میلادی بود که در نتیجه جنگ‌های سی ساله مذهبی در اروپا به امضاء رسید. بر اساس این قرارداد قدرت‌های اروپایی متعهد شدند که به قلمرو سرزمینی یکدیگر احترام گذاشته و هر پادشاهی در محدوده مرزهای خود دارای حق حاکمیت مطلق شد. همچنین وفاداری مردم از شخص شاه به سرزمینی که مردم در آن سکونت داشتند منتقل شد و سراسر سرزمین‌های واقع در محدوده مرزهای مشخص به اسم ملت‌های ساکن در آن سرزمین‌ها شناخته شد، حتی اگر مردمی از ملت‌های دیگر هم در قلمرو آن مرزها سکونت داشتند. مثل کشور ژرمن و انگلستان که محل سکونت به ترتیب قوم ژرمن و انگل بود.

دومین و مهمترین رویدادی که تأثیر عمیقی بر تحولات مفهوم ملت در سیر فرایند جهانی شدن گذاشت انقلاب فرانسه بود که در ۱۷۸۹ میلادی در نتیجه فشردگی هر چه بیشتر زمان و فضا از طریق توسعه صنعتی و صنعت چاپ، گسترش روابط اجتماعی-سیاسی و افزایش سطح آگاهی‌های مردم را از طریق به میدان آمدن نسل جدید و مترقی از نخبگان و رهبران اجتماعی و سیاسی همچون ژان ژاک روسو و دیگران، موجب شد. در نتیجه انقلاب فرانسه برای اولین بار مشروعیت حکومت از شخص شاه به مردم واگذار شد و عامل اصلی در تشکیل و مشروعیت حکومت رضایت شهروندان در نظر گرفته شد. بنابراین نقش ملتی که خود را متعلق به یک «ما» می‌دانند^۵، در تشکیل کشور مستقل و دولت پایه‌ای و حیاتی شد. بر پایه این مباحث گروهی از نظریه پردازان چون ارنست گلنر، کارل دویچ و بندیکت اندرسون ظهور کردند که بر پایه سنت فکری انقلاب فرانسه سرچشمه یکی از برداشت‌های اصلی درباره عامل تشکیل دهنده ملت را به‌وجود آوردند. بر حسب آن سنت به‌عنوان ویژگی اصلی ملت نه وحدت فرهنگی یا زبانی یا قومی، بلکه وحدت در سازمان سیاسی است (بشیریه، ۱۳۸۰: ۲۹-۲۸). گلنر در زمینه پیدایش ملت‌ها معتقد است ملی‌گرایی در مرحله گذار از جوامع روستایی ثابت به نظام صنعتی به‌وجود می‌آید. او می‌گوید در دوران رونق جوامع سنتی با ثبات روستایی، طبقه اجتماعی وجود داشته است که جوامع بی سواد کشاورز را از نخبگان با سواد شهری جدا نگه می‌داشت و از رشد ملت‌های همانند جلوگیری می‌کرد. روند صنعتی شدن، موجب شد تا جوامع متحرک و از بعد فرهنگی یکدست، همزمان با فروپاشی نظام طبقاتی قدیم و جایگزین شدن جوامع شهری صنعتی

^۵ این تصور در نتیجه شکل‌گیری سازمان سیاسی پیشرفته‌ای است که در وجوه مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و سطوح مختلف جامعه مردم را درگیر می‌کند و ارزش‌های مشترکی را در بین مردم با هدف یکسان‌سازی ملت ترویج و آموزش می‌دهد

شکل گیرند. در این جوامع، مردم به یادگیری مهارت‌های جدید و به‌کارگیری زبانی استاندارد نیاز داشتند و پس از آنکه دولت، چنین آموزش و تحصیلاتی را فراهم آورد، افرادی که از هم بیگانه بودند توانستند به شیوه‌ای معنادار با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. در جریان صنعتی شدن و نوگرایی، گروه‌های روشنفکری ظهور می‌کنند که با الهام از حس ملی‌گرایی، مردم را به ایجاد توده‌ها - یعنی ملت‌هایی که از بعد فرهنگی یکسان هستند - فرا می‌خوانند، بدین ترتیب انگیزه نوگرایی باعث به‌وجود آمدن ملت می‌شود (Ellner, 196: 169).

با ادامه توسعه علم و تکنولوژی و اختراعات متنوعی که باعث هرچه فشرده شدن تعاملات فضایی - مکانی شد، سومین رویدادی که بر مفهوم ملت تأثیر اساسی گذاشت پایان جنگ سرد همراه با گسترش پدیده اینترنت و دسترسی بدون محدودیت‌های زمانی - مکانی افراد به یکدیگر و اطلاعات بود که شکل‌گیری مفاهیمی همچون فضای مجازی، ملت مجازی و شهروند مجازی را باعث شد. با این تحولات از دید هاروی، شدیدترین فشردگی زمان - فضا در دو دهه اخیر صورت گرفته است. به نظر هاروی در این دوره پیشرفت‌های حیرت‌آور در عرصه فن‌آوری‌های ارتباطی، زمان و فضا را بسیار فشرده کرده است (Mc Grew, 1996: 67). برای مدت طولانی که حدود سه و نیم قرن از عمر دولت‌های برآمده از وستفالی می‌گذرد، دولت‌ها در چارچوب مرزهای ملی خویش از حاکمیت و اقتدار کافی برخوردار بودند. تحت این شرایط دولت‌ها قادر به نظارت و کنترل شهروندان خویش بوده و توانسته‌اند قوانین مورد نظر خود را وضع و اجرا نمایند (قوام، ۱۳۸۳: ۵۶). با فروپاشی نظام دوقطبی و رشد جهانی شدن، دولت‌ها آسیب‌پذیر، حاکمیت‌ها محدودتر، مرزها نفوذپذیرتر و اقتدار دولت‌ها با چالش‌های جدیدی روبرو گردیده‌اند. در این وضعیت، دولت از شکل سرزمینی و محدود شدن به یک موقعیت ژئوپلیتیکی خاص و ثابت خارج شده و بسیاری از الگوهای رفتاری (بویژه اقتصادی) دیگر تابع وضعیت سرزمینی مشخص به لحاظ فیزیکی نمی‌باشد. در چنین شرایطی مردم به عنوان یکی از عناصر اصلی تشکیل دهنده دولت، تابع یک هویت مشخص حکومتی نیستند و ضمن تکثر و تنوع هویت‌ها از یک هویت کلان برخوردار نمی‌باشند (قوام، ۱۳۸۳: ۴۰). امور زندگی اجتماعی - سیاسی بیش از پیش از حد و مرزهای ملی فراتر رفته و توانایی‌های دولت ملی برای اداره و ساماندهی این گونه امور کمتر و کمتر شده است. فرایند جهانی شدن توانایی‌های دولت در امر نظارت، کنترل و سانسور را به میزان چشم‌گیری کاهش داده است. بازسازی شدن فضا در زمان و فضا مندم شدن زندگی اجتماعی، هرگونه مرز و بستر، بویژه اجتماعی - فرهنگی، را نفوذپذیر کرده و سانسور و کنترل و انحصار را بسیار دشوار و حتی ناممکن می‌کند (گل محمدی، ۱۳۸۴: ۷۴-۷۵).

بنابراین با گسترش روند جهانی شدن هیچ ملتی نمی‌تواند با اتخاذ سیاستهای درون‌گرا از بنیان‌های فکری و فرهنگی نظم اجتماعی خود پاسداری به عمل آورد. در جهان کنونی؛ ما با جوامع دیگر سرنوشت مشترکی پیدا کرده‌ایم و مرزهای میان دولت‌ها کارکردی نو پیدا کرده است. بدین ترتیب بسیاری از تهدیدات فراروی ملت‌ها تنها از طریق رویکردی جهانی به اداره امور، قابل حل‌اند. این تحولات به‌طور گسترده‌ای دانشمندان و نظریه پردازان دانشگاهی را برآن داشته تا تعریفی نو و سازگار با شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هزاره سوم از مفهوم ملت برای تسهیل فرایند جهانی شدن، روابط سیاسی و اقتصادی بین‌المللی و تجارت جهانی ارائه دهند.

مفهوم ملت در فضای مجازی

اینترنت در حال بازتعریف جدی ماهیت روابط اجتماعی میان ملت‌ها و به چالش کشیدن حاکمیت فرهنگی از طریق ایجاد احساس فزاینده بی‌مرزی است. این فرایند از طریق رشد بازارهای سایبر و جریان افکار و اطلاعات در سراسر جهان و در میان ملت‌ها، جامعه‌ها و نظام‌های سیاسی شکل گرفته است (ابو، ۱۳۸۵: ۳۴۷). این فرایندها همچنین با تجدید سازمان ریشه‌ای نظام مالی جهان همراه بوده که باعث فروپاشی مرزهای سنتی شده است. مرزهایی که زمانی بانکداری، دلالی، خدمات مالی، بنگاه‌های اعتباری و از این قبیل را از هم جدا می‌ساخت (ویستر، ۱۳۸۵). در گذشته جوامع تمایل داشتند که نظام‌هایی بسته با مرزهای نسبتاً مشخص، افراد ثابت و پیوندهای اندک با سایر جوامع باشند. اکنون ما وارد عصر «نظام‌های باز» شده‌ایم. فضای سایبر سبب ایجاد نوع جدیدی از سرزمین‌های اجتماعی شده است که ما آن را «جامعه مجازی» می‌نامیم (تروث و اندرسون، ۱۳۸۵). این شکل‌گیری‌های جوامع مجازی در بعضی موارد اثرات خود را در فضای سرزمینی واقعی به صورت حرکت‌های اجتماعی برای اعتلای هویت‌های فرهنگی و سیاسی نیز نشان داده است.

در راستای این تحولات، جهانی شدن را می‌توان با ظهور ملی‌گرایی‌های ناحیه‌ای برابر دانست که توسط افرادی چون بیت‌هام حمایت می‌شود. نظرهای مشابهی را نیز می‌توان به انقلاب در فن‌آوری اطلاعات ربط داد. امروزه شهرهای بزرگ جهان دائماً درگیر گفتگویی چند جانبه‌اند که عمدتاً فراتر از نظارت دولت‌های ملی است و مطمئناً توجه شهرهای جهان نظیر لندن، در حال منحرف شدن از عرصه ملی به عرصه تخصصی مراکز مالی جهان است (مویر، ۱۳۷۹: ۱۹۰). این نظریه، جهانی شدن را که به‌وسیله انقلاب در فن‌آوری اطلاعات تسریع شده است، بیشتر از جنبه اقتصادی دانسته و قائل به تقویت، شکل‌گیری و سازماندهی ملی‌گرایی‌های ناحیه‌ای و قومی و رشد آگاهی‌های

فردی و جمعی در فرایند گسترش فناوری اطلاعات می‌باشد، تا استحاله این هویت‌ها در فرهنگ و یکسان سازی جهانی. می‌توان این تحول را در راستای تئوری معنوی مربوط به کارکرد مفهوم «ملت» در رابطه با مفهوم «حرکت» که گاتمن (۱۹۵۱)، هارتشون (۱۹۵۰) و جونز (۱۹۵۴) پدید آوردند، تشریح کرد. این دانشمندان به «حرکت» در جهان سیاست معتقدند و بر این باورند که «حرکت» یا «نقش آفرینی» مایه اصلی پدید آورنده «گروه انسانی یکپاره شده سیاسی» (ملت) در محیط جغرافیایی ویژه آن گروه، یعنی «سرزمین» است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۶۲). حرکتی که بر پایه عناصر اصلی تشکیل دهنده یک ملت و گروه انسانی یعنی هویت تاریخی مشترک، فرهنگ و آداب و رسوم، مذهب، زبان، نژاد و یا حکومت ملی مشترک و سایر عوامل مشترک میان گروهی از مردم می‌باشد که به وسیله انقلاب در فناوری اطلاعات از فضای واقعی به فضای مجازی انتقال یافته، تقویت و تسریع شده است.

در این باره، ژان گاتمن جدایی‌های سیاسی در گروه‌های انسانی را بررسی کرده و حرکت «معنوی» را در محیط انسانی شناسایی کرد که با ظرافت خاصی، افراد را در یک گروه انسانی گرد هم می‌آورد و آنها را از دیگر گروه‌ها جدا و به یک ملت یکپارچه تبدیل می‌کند.

گاتمن در سال ۱۹۶۴ تشریح کرد: «جداگانه بودن نسبت به محیط دیگران و سربلند بودن از ویژگی‌های خود، از نمودهای ذاتی هر گروه انسانی است. برای جداگانه بودن نسبت به محیط دیگران، یک منطقه تنها نیازمند یک کوه یا یک دره، یک زبان ویژه یا یک مهارت خاص نیست. برای چنین هدفی یک منطقه، اساساً نیازمند یک باور استوار بر اساس اعتقادی دینی، برخی دیدگاه‌های ویژه اجتماعی و جلوه‌هایی از خاطرات سیاسی است و اغلب به آمیخته‌ای از این سه نیاز دارد.»

به این ترتیب، اگر نیروی پدیدآورنده آغازین ملت در گذشته‌های دور ناشی از حس برتری‌خواهی نظامی و گسترش‌خواهی جغرافیایی قدرت‌ها بود، در دنیای مدرن، این عوامل اولیه جای خود را به نیرویی داده است که در اندیشه مردمان ساکن در پهنه جغرافیایی مشخص شده در مرزهای سیاسی ویژه جای دارد و از انگیزه‌ها و پیوندهای معنوی آنان بر می‌خیزد. پیوندهای فرهنگی موجود مانند دین مشترک، زبان مشترک، ادبیات مشترک و ...، پیوندهای معنوی استواری میان مردمان ساکن در آن پهنه جغرافیایی ویژه به وجود می‌آورد، چشم انداز سیاسی ویژه ملت را به آنان ارزانی می‌دارد و آنان را از گروه‌های انسانی ساکن در پهنه‌های جغرافیایی دیگر متمایز می‌سازد و شخصیت و هویت ویژه‌ای به آنان می‌بخشد. جداگانه و متمایز بودن نسبت به دیگران، اصلی کهن است و ریشه در ژرفای معنویات دارد (آقاپور، ۱۳۸۵).

گسترش روزافزون تکنولوژی‌های جدید ارتباطات در سال‌های اخیر، تمام جنبه‌های فرهنگ و حیات اجتماعی را با چالش روبرو کرده است. در این میان تحولات اجتماع و گروه‌های انسانی نیز از این امر مستثنی نشده‌اند. گروه‌های دارای مرزهای سخت سنتی، جای خود را به گروه‌های مجازی با مرزهای منعطف داده‌اند و به همین دلیل امکان مبادله هر چه بیشتر اطلاعات و پیام‌ها، منجر به کاهش و در مواردی حذف فاصله میان گروه‌های مختلف شده است. با نفوذ فزاینده اینترنت به درون خانه‌ها، امکان اشتراک در تجارب گروه‌های مختلف ایجاد شده است. از منظر سخت افزارهای ارتباطی، تعداد سایت‌ها و تکنولوژی‌های وابسته به آنها نیز در حال گسترش است و این امر ردپای خود را در تمام حوزه‌های زندگی بشری بر جا گذاشته است (سروی زرگر، ۱۳۸۷).

در این راستا صاحب‌نظران پسا استعماری جلوتر رفته، تجزیه حکومت‌ها و ملت‌ها و با آغاز عصر الکترونیک، فروپاشی زمان و فضا را در عصر جهانی شدن یادآور شده‌اند. و معتقدند با بر افتادن و فروپاشی مفاهیم مدرن پیکرها و هویت‌ها، مرزها و سرزمین‌ها و پیدایش جهانی شدن و تله ماتیک (ارتباطات راه دور و انفورماتیک)، این اجتماعات مجازی شهروندان است که «حکومت- ملت‌های» مدرن را به وجود می‌آورند (ابو، ۱۳۸۵: ۴۵۷). و بازنمایی کارکرد عناصر و مفاهیم مدرن تشکیل دهنده مفهوم ملت چون سرزمین با مرزهای مشخص، حکومت ملی، زبان، نژاد، مذهب و هویت‌های مشترک را برای تشریح و سازگاری با فرایندهای جدید سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برخاسته از این دگرگونی‌ها، در عصر جهانی شدن و الکترونیک اجتناب ناپذیر می‌دانند.

صاحب‌نظران پسا استعماری در راستای تأیید نظریات خود از شکل‌گیری «اجتماعات مجازی شهروندان» یا «جامعه مجازی» و «شهر مجازی» خبر می‌دهند که هنوز از آنها نمی‌توان مفهوم ملت مجازی را استنباط کرد.

مهمترین مسئله در شهر مجازی، حرکت جمعیت است. حرکت جمعیت اعم از حرکت با وسیله نقلیه و یا ازدحام جمعیت در مراکز فروش و خدمات اداری و رفاهی شهر، علت اصلی بسیاری از مسائل شهری اعم از مسائل انسانی شهری و یا حوادث و سوانح شهری در شهرهای بزرگ می‌باشد. با ظهور صنعت همزمان ارتباطات (عاملی، ۱۳۸۳) کامپیوتر و بدنال آن ارتباطات شبکه‌ای از طریق آرپانت و سپس شکل فراگیر این ارتباط در قالب اینترنت فضای جدیدی برای شهر بوجود آمد که از آن تعبیر به «شهر مجازی» می‌شود. ظهور شهر مجازی در درجه اول موجب کاهش «حرکت جمعیت» در شهر واقعی و در درجه بعدی «فضاهای همزمان» را بدون فرسایش و اصطکاک با یک هندسه موازی امکان پذیر می‌سازد. در واقع دو فضائی شدن شهر در فضای واقعی و فضای مجازی، نوعی

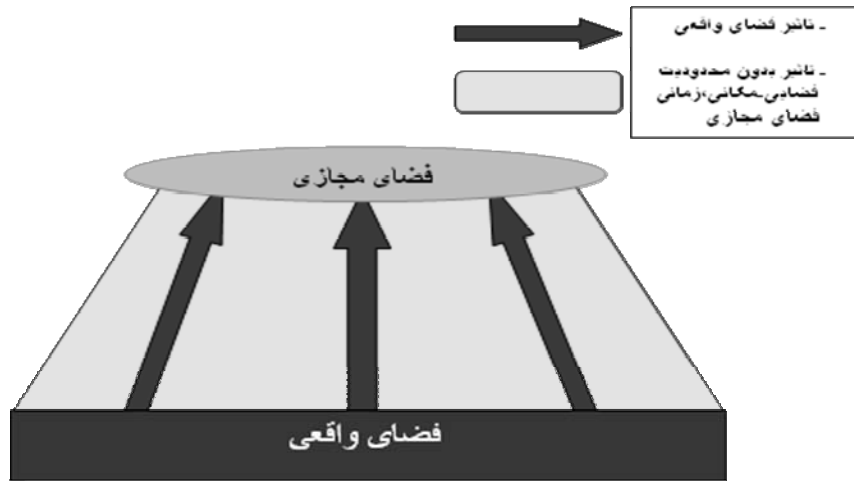
«مدیریت کنترل حرکت جمعیت شهری» محسوب می‌شود که تلاش می‌کند با عقلانی کردن روند حرکت جمعیت، شهر را آرامتر، کم هزینه‌تر و برخوردار از امنیت شهری کند و همچنین امنیت روانی شهروندان را هم فراهم کند. در فضای جدید معنای مکان بازسازی می‌شود و نگاه به شهر بعنوان «فضای مکانها» تبدیل به «فضای جریانها» (Space of Flows) می‌شود که از یک سو حرکت جمعیت و از سوی دیگر حرکت اطلاعات را اجتماعی می‌کند. این تغییر در واقع زمینه نگاه یکپارچه به شهر دو فضائی شده را فراهم می‌کند (عاملی، ۱۳۸۴).

در شهر مجازی، خدمات اطلاعاتی بدون هیچ محدودیت زمانی و مکانی انجام می‌شود. بنابراین، ظهور شهر مجازی در درجه اول موجب کاهش «حرکت جمعیت» در شهر واقعی و در درجه بعدی «فضاهای همزمان» را بدون فرسایش و اصطکاک با یک هندسه موازی با شهر واقعی امکان پذیر می‌سازد (عاملی، ۱۳۸۴). پس پدیده‌هایی چون جوامع مجازی و شهر مجازی بیشتر در راستای کاهش حجم جریانات فضایی در فضای واقعی جوامع و شهرها ظهور پیدا کرد.

یافته‌های تحقیق

مکانیسم بازنمایی کارکردی مفهوم ملت در فضای مجازی

با توجه به توضیحات فوق برای بازنمایی کارکرد مفهوم ملت در فضای مجازی باید مکانیسم ذیل را تشریح کرد: ابتدا با توجه به این که فضای اینترنت، فضایی مجازی بوده و مفاهیم و عناصر تشکیل دهنده محتوای این فضا بر گرفته از عناصر دنیایی واقعی می‌باشد که به محیط مجازی اینترنت از طریق تولیدات فکری ذهن انسان، (مفاهیمی در قالب متن، صوت و تصاویر ثابت و متحرک می‌باشد) انتقال یافته است. و در مرحله دوم با توجه به این که این فضا از طریق تأثیر گذاری بر ذهن انسان از طریق انتقال داده‌های مجازی بدون محدودیت‌های مکانی - فضایی عمل می‌کند و تأثیرات خود را از طریق واکنش‌های انسانی در دنیای واقعی بر جای می‌گذارد، بنابراین برای بازنمایی مفهوم ملت باید عناصر تشکیل دهنده مفهوم ملت را به دو بخش زیربنایی - واقعی و روبنایی - مجازی تقسیم کرد که فضای مجازی یا اینترنت این کار را از طریق تبدیل بخش زیربنایی - واقعی به بخش روبنایی - مجازی و انتقال بدون محدودیت‌های مکانی - فضایی، زمانی و جغرافیایی این بخش مجازی که همان بخش هویتی عناصر و عوامل واقعی تشکیل دهنده مفهوم ملت چون هویت تاریخی مشترک، سرزمین مشترک، زبان، حکومت، مذهب و قومیت مشترک به انسان می‌باشد، به انجام می‌رساند.



تصویر مکانیسم تاثیر فضای واقعی بر فضای مجازی و بالعکس

تصویر شماره ۱: ترسیم، نگارندگان

این تقسیم بندی را می توان در قالب پدیده دو جهانی نیز توضیح داد. جهان اول با خصیصه جغرافیا داشتن، از نظام سیاسی مبتنی بر حکومت ملی برخوردار بودن، طبیعی - صنعتی بودن، محسوس بودن و معطوف به احساس قدیمی تر بودن از جهان دوم قابل تمایز است. جهان دوم نیز با خصیصه هایی مثل بی مکانی، فرا زمان بودن، صنعتی بودن محض، عدم محدودیت به قوانین مدنی متکی بر حکومت - ملت ها، از معرفت شناسی تغییر شکل یافته پسا مدرن برخوردار بودن، قابل دسترسی بودن همزمان، روی فضا بودن و برخورداری از فضاهای فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی و سیاسی جدید از جهان اول بصورت نسبی جدا می شود. این دو جهان در بسیاری از موارد تبدیل به دوقلوهای به هم چسبیده خواهند شد که تعامل فردی و اجتماعی در قلمروهای بسیار، بستگی به «تعامل های دو جهانی» دارد (عاملی، ۱۳۸۴: ۴۱).

این «تعامل های دو جهانی» در عرصه جوامع و ملت ها از طریق امکانات فضای مجازی با سرعت بالا و با محدودیت های کم فضایی - مکانی و زمانی در القاء و انتقال مفاهیم صورت می گیرد که از یک طرف مفاهیم و ارزش های مشترکی را در کل کره زمین بدون در نظر گرفتن تفاوت های زبانی، مذهبی، جغرافیایی و نژادی و ... به وجود می آورد که در قالب یکسان سازی های نظام اقتصاد جهانی ارزش های مشترکی را در بین جوامع انسانی شکل می دهد و از طرف دیگر با تقویت خودآگاهی ها و هویت های فردی و جمعی در قالب افراد تشکیل دهنده یک نظام سیاسی یا کشور و یا گروه های ناحیه ای و قومی در داخل کشورها فعالیت ها و تحرکاتی را در قالب تلاش برای تقویت و ارتقای هویت های سیاسی و فرهنگی، به وجود می آورد. بنابراین شاهد دو جهت گیری متضاد در تأثیر فضای مجازی بر روی مفهوم ملت هستیم. یکی در جهت تضعیف مفهوم ملت و گسترش ارزش های یکسان در میان جوامع

و ملت‌ها، و دیگری در جهت تقویت عناصر هویتی - پایه‌ای تشکیل دهنده ملت‌ها و جوامع انسانی که رقابت بین نظام‌های سیاسی را برای راضی نگه داشتن اقلیت‌های قومی، زبانی و مذهبی از طریق به رسمیت شناختن هر چه بیشتر هویت‌های متمایز آنها نسبت به هویت ناحیه هسته‌ای این کشورها به دنبال آورده است. بدین ترتیب پیش از پرشتاب‌تر و فراگیرتر شدن فرایند جهانی شدن، معمولاً گفتمان‌های رسمی کار ویژه هویت ستیزی و هویت بانی خود را در سطوح دولت ملت‌ها به آسانی انجام می‌دادند و امکان و فضای مناسبی برای مقاومت گفتمان‌ها یا پاره گفتمان‌های مخالف وجود نداشت، ولی فرایند جهانی شدن، با افزایش دادن هزینه‌های اعمال قدرت در سطح ملی و کاهش دادن هزینه‌های مقاومت، این وضع را بر هم زده است (گل محمدی، ۱۳۸۴: ۷۵-۷۴).

باید گفت تمامی این فرایندها حول محور مفهوم هویت روی می‌دهد که نقش بنیادی را در پیش برد مکانیسم تأثیر مفاهیم و عناصر دنیای واقعی بر دنیای مجازی و بالعکس و تأثیر فضای مجازی در دنیای واقعی، برعهده دارد، در این رابطه باید گفت هویت بر اساس مرز بندی‌ها در مکان شکل می‌گیرد و نه تنها مرزهای سیاسی، بلکه مرزهای فرهنگی، دینی، شهری و ... نیز در این امر سهیم‌اند. طبق این اظهارات در رابطه با هویت‌های همزمان (دو جهانی)، باید گفت که برای بومی و محلی کردن محتوا در اینترنت و فضای مجازی باید مرزهایی که در جهان واقعی وجود دارد به صورت مجازی در اینترنت بازسازی شود و نمادهای هویت در آنجا مطرح شود تا بتوان هویت‌های مربوط به آن مرزها را بازسازی کرد. همان‌طور که گفتیم جهان مجازی در موازات با جهان واقعی در حرکت است (تعامل‌های دو جهانی)، بنابراین با بازسازی هویت در جهان مجازی، هویت‌ها در جهان واقعی هم تقویت می‌شوند (حسینی، ۱۳۸۵). باید گفت با فرایندهای یکسان سازی که یکی از جنبه‌های تأثیر فضای مجازی بر روی جوامع بشری می‌باشد و نیز ایجاد هویت جمعی، هویت‌های فردی و محلی از بین نمی‌روند و یا ضعیف نمی‌شوند ما با هویت‌های همزمان و دو جهانی شدن مواجه هستیم. شبکه ارتباطی (اینترنت) یک حوزه عمومی مجازی پدید آورده است که بستر مناسبی برای فعالیت گفتمان‌ها و پاره گفتمان‌های هویت‌ساز مخالف و مقاومت کننده است (گل محمدی، ۱۳۸۴: ۷۹).

رابطه مفهوم ملت مجازی با هویت

از جمله مفاهیمی که در عصر ارتباطات الکترونیک دچار تغییر و تحولات گسترده شد، مفهوم «هویت» است. تحولات الکترونیک این مفهوم را از حالت بسته و چهارچوب‌بندی‌شده‌ی سنتی خارج ساخت و انسان را به دنیایی متکثر و

متنوع پرتاب کرد (سروی زرگر، ۱۳۸۷) که در آن با هویت‌های مختلف در محیط زندگی‌اش تعامل دارد. به عبارتی امروزه ظرفیت‌ها و توانایی‌های رو به رشد انتقال اطلاعات انسان‌هایی را که از سلیقه‌ها، ترجیحات و شیوه‌های زندگی گوناگون برخوردارند به شهروندان جهانی (Global citizens) تبدیل کرده است (Ohmae: 1991:18-22). جهان مجازی با تأثیر گرفتن از صنعت همزمان ارتباطات، منشاء ظهور فرهنگ‌های آنی و به دنبال آن هویت‌های خلق‌الساعه شده است که در دوره محدودی شکل می‌گیرد و با ظهور هویت‌های جدید به سرعت از بین می‌رود. می‌توان گفت این به وجود آمدن و از بین رفتن هویت‌های جدید می‌تواند به این دلیل باشد که هویت‌ها پشوانه‌ای ندارند و طبق مرزها و مکان‌ها شکل نگرفته‌اند (حسینی، ۸۵). این خود اهمیت و تأثیر محیط جغرافیایی را در شکل‌گیری هویت‌ها در فضای مجازی و اینترنت و اصالت و پایداری مفاهیم و عناصر جغرافیایی را در شکل‌گیری مفاهیم بشری نشان می‌دهد.

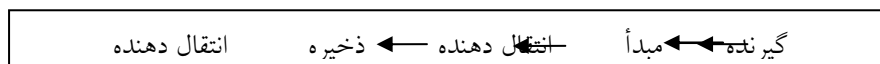
از هویت در حیطه جغرافیای سیاسی فضای سایبر که برای تشریح فعل و انفعالات بین فضای مجازی و فضای واقعی به کار برده شد، می‌توان به عنوان عنصر اصلی نیرویی که بین فعل و انفعالات فضای مجازی و فضای واقعی عمل می‌کند نام برد. در واقع هویت است که ما را وادار به به‌کارگیری اصطلاحاتی مانند ملت مجازی می‌کند، چیزی جز سایه‌های هویتی منعکس از ملت واقع در فضای واقعی در فضای مجازی نیست. البته در اینجا برای درک عامل‌ها، کنش‌ها و نیروهای تأثیرگذار فضای مجازی بر فضای واقعی بایستی بین مفاهیمی از قبیل شهر مجازی، شهروند مجازی، دموکراسی سایبر، جوامع مجازی، کاربر مجازی و دانشگاه و دانشجوی مجازی (منوچهری راد، ۱۳۸۷) که بیشتر در راستای کاهش حجم جریان‌ات فضایی در فضای واقعی جوامع و شهرها و کاهش مشکلات ترافیک جریان‌ات فضایی فضای واقعی به وجود آمده‌اند و بیشتر مفاهیم کاربردی را می‌رسانند تا مفاهیم هویتی تفکیک قائل شد. در واقع ما در فضای مجازی با دو نوع عامل کارکردی مواجهیم که تقسیم بندی آنها برای درک ما از مفاهیمی که برخاسته از کارکردهای فضای مجازی است، بسیار مؤثر می‌باشد. این دو عامل عبارتند از:

۱. عوامل کارکردی که صرفاً جنبه کاربردی داشته و به صورت هدفمند و برنامه‌ریزی شده از طریق مؤسسات و شرکت‌ها برای کاهش حجم جریان‌ات فضایی در فضای واقعی جوامع و شهرها، کاهش مشکلات ترافیک جریان‌ات فضایی در فضای واقعی، صرفه‌جویی در وقت، هزینه و مواد در فضای مجازی تعبیه شده‌اند، مانند: خرید اینترنتی بلیط قطار و هواپیما و روزنامه‌ها و مجلات اینترنتی.

۲. عوامل کارکردی که در ورای عواملی که جنبه کاربردی صرف دارند عمل نموده و مفاهیم و اندیشه‌هایی که برخاسته از عناصر هویتی و فکری فضای واقعی و خود فضای مجازی هستند را انتقال می‌دهند و کارکرد آنها بیشتر در حیطه ارزش‌ها و هویت‌ها است. در واقع این عامل کارکردی ارزش‌ها و هنجارهای فضای واقعی را گرفته و آنها را بدون محدودیت‌های فضایی - مکانی و زمانی فضای مجازی در اختیار فضاهای واقعی قرار می‌دهد. بنابراین ظهور ملت و هویت در فضای جهانی با پیدایش نوآوری‌های شگرف در فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی روی داده است. اما باید خاطر نشان کرد که این مفهوم صرفاً بیانگر استفاده ما از فناوری‌های اطلاعاتی نیست. بلکه این مفهوم، ساختار اجتماعی ویژه‌ای را به نمایش می‌گذارد که با این رویداد ارتباط نزدیکی دارد (Duff, 2000: 101-105).

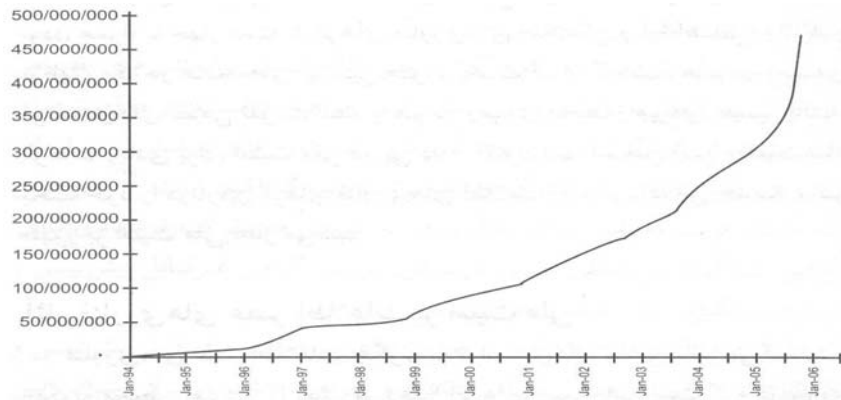
ملت مجازی یا جامعه اطلاعاتی؟

برای پرداختن به این سؤال ابتدا باید به چگونگی شکل‌گیری شبکه اینترنت پرداخت. ایجاد و توسعه شبکه اینترنت در ابتدا به عنوان تجربه تحقیقاتی نسبتاً محدودی بود که به منظور ارائه‌ی فن آوری انتقال بسته‌ای اطلاعات از اواخر دهه ۱۹۶۰ آغاز شد. ماهیت ایجاد شبکه اینترنت طراحی سیستم مخابراتی از سوی وزارت دفاع آمریکا بود که در برابر تهاجم هسته‌ای آسیب‌ناپذیر باشد با تحول و گسترش این شبکه، شبکه‌های تشکیل دهنده اینترنت در بدو تأسیس عبارت بودند از شبکه اطلاعاتی وزارت دفاع آمریکا، شبکه علوم انرژی، شبکه اینترنت علوم ناسا و شبکه بنیاد ملی علوم و مریت (افشار زنجانی، ۱۳۸۷: ۲۵). اینترنت ابزاری برای استفاده از سامانه‌های ارتباطی است و نه یک سامانه مستقل، اینترنت نه یک هدف مستقل، بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به یک هدف - یعنی مبادله اطلاعات - شمرده می‌شود. مکانیسم این مبادله در مدل شانون و ویور نشان داده شده است.



تصویر ۲. مدل «شانون» و «ویور» که با اینترنت انطباق یافته مأخذ: (دارنلی و فدر، ۱۳۸۴، ۵۹)

در مراحل نخست توسعه شبکه اینترنت در سال ۱۹۷۳ میلادی تنها ۲۵ کامپیوتر به این شبکه متصل بود. در سراسر دهه ۱۹۷۰ میلادی این شبکه تنها توانست به ۱۵۶ کامپیوتر خدمات ارائه دهد؛ پس از ارتقای قابل ملاحظه این شبکه در دهه ۱۹۸۰ هنوز تنها ۲۵ شبکه با چند صد کامپیوتر ابتدائی و چند هزار کاربر به آن متصل بودند (کاستلر، ۱۳۸۵: ۴۰۲). اما توسعه این شبکه در اواخر دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ میلادی چشمگیر بود.



تصویر شماره ۲: تعداد کاربران اینترنت از ژانویه ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۶. مأخذ: (آلبرتس و پاپ، ۱۳۸۵: ۴۱)

شبکه اینترنت عرصه زندگی بشر را وارد عصری نوین کرد در این باره مانوئل کاستلز، که تحولات جهانی در حوزه‌های اقتصاد، جامعه و فرهنگ را بر اساس توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات تبیین می‌کند، ظهور جوامع شبکه‌ای را سر آغاز دگرگونی‌های همه جانبه در این عصر می‌نامد. او شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی را عنصر اصلی کنش گره‌های اجتماعی در اواخر سده بیستم می‌داند (کارنکراس، ۱۳۸۴: ۱۳). اینترنت عملاً انتقال فوری و جهانی همه انواع داده‌ها را امکان پذیر ساخته است و به همین دلیل شالوده پدیده جهانی شدن را تشکیل می‌دهد. جهانی شدن ارتباط تنگاتنگی با توسعه اقتصادی دانش مبنای جامعه اطلاعاتی دارد. کاستلز اظهار می‌دارد که «اقتصاد اطلاعات» در حقیقت محرک اصلی پدیده جهانی سازی و مسائل همراه آن است (دارنلی، فدر، ۱۳۸۴: ۷۶-۷۷). ویژگی‌های اینترنت باعث تسهیل عرصه بیرونی گردش اطلاعات شده است که ایجاد اشکال جدید اجتماعات انسانی و سازمان‌های اجتماعی مجازی را ممکن ساخته است (اسلوین، ۱۳۸۰: ۷۷) که حول مجموعه‌ای از شبکه‌های اطلاعاتی به هم پیوسته شکل می‌گیرد. به عنوان روندی تاریخی، کارکردها و فرایندهای مسلط در عصر اطلاعات هر روز بیش از پیش پیرامون این شبکه‌ها سازمان می‌یابند. شبکه‌ها ریخت اجتماعی جدید جوامع ما را تشکیل می‌دهند و گسترش منطق شبکه‌ای تغییرات چشمگیری در عملیات و نتایج فرایندهای تولید، تجربه، قدرت و فرهنگ ایجاد کرده است (کاستلز، ۱۳۸۵، ۴۴۳).

تأثیرات واقعیت مجازی بر حیات جمعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این واقعیت قبل از هر چیزی دارای تأثیراتی بر کارکرد و پیوندهای شهروندان بوده است و کاربرد آن اساساً در بهبود روابط، کاهش معطلی‌ها و دقت در رسیدگی به پرونده‌ها می‌باشد (کاهش حجم ترافیک جریانات فضایی). ابزارهای ارتباطی اینترنت همانند

کنفرانس و مناظره الکترونیک، درصدد خلق نوعی اجتماعات مجازی در فضای الکترونیک هستند. اجتماعاتی که قواعد ورود و زندگی در آنها دارای تکوین تدریجی است و فضاهای اجتماعی نوین روابط اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (محسنی، ۱۳۸۰: ۵۹). به‌کارگیری شبکه‌های الکترونیکی، سازمان‌های مجازی را در ارائه خدمات به خود بی-نیاز از جمع کردن همه افراد و گاهی بی‌نیازی از گردآوری افراد در یک محل می‌کند. چنین شرکت‌ها و سازمان‌های مجازی می‌توانند فریندهای تجاری را که دربرگیرنده کسانی است که برای گروه‌های مختلف درون و خارج از شرکت‌ها به فعالیت مشغولند در یک جا گرد آورد و محدوده سازمان‌ها و واحدهای تشکیل دهنده آنها گذر پذیر شده‌اند (داتن، ۱۳۸۴: ۹۴)، به‌طوری که یک شخص همزمان می‌تواند در چند سازمان و واحد اداری مشغول به کار شود. با انعطاف‌پذیر شدن زمان، مکان‌ها نامتعارف‌تر شده‌اند زیرا الگوی رفت‌وآمد مردم به این مکان‌ها روز به روز انعطاف بیشتری پیدا می‌کند. تعامل میان مکان‌ها، الگوهای مکانی رفتار را به شبکه‌ای سیال از مبادلات تبدیل می‌کند که بنیان ظهور نوع جدیدی از فضا است که فضای جریان‌ها نام دارد (کاستلز، ۱۳۸۵: ۴۶۱-۴۶۲). در عرصه اقتصادی، فناوری اطلاعات منبع جدیدی از ثروت را به‌وجود آورده است که فیزیکی و مادی نیست. این منبع جدید ثروت، اطلاعات یا دانشی است که برای تولید ارزش به‌کار گرفته می‌شود. در جامعه اطلاعاتی صاحبان قدرت اقتصادی جدید کسانی نیستند که منابع مادی عظیمی در اختیار دارند بلکه کسانی هستند که صاحب فکر و فناوری می‌باشند. برای مثال شرکت مایکروسافت فقط با دارایی ثابت نسبتاً ناچیزی، بازار سرمایه‌ای بهتر و قوی‌تر از مجموع شرکت‌های فورد، جنرال موتورز و کرایسلر دارد (آلبرتس و پاپ، ۱۳۸۵: ۷۷). این یک جامعه اطلاعاتی است که عرصه عمده فعالیت‌های اقتصادی آن در اختیار تولیدکنندگان کالاها و خدمات اطلاعاتی و بوروکراسی‌های عمومی و خصوصی وابسته با آن است (ویستر، ۱۳۸۰: ۳۱). ویستر تأکید می‌کند که تعاریف تکنولوژیک از جامعه اطلاعاتی مناسب‌تر می‌باشد زیرا بر اثر نفوذ تکنولوژی ارتباطی و رایانه‌ای، و نیز اطلاعات و توانایی که آنها به شرکت‌های کوچک بخشیده‌اند تا بازارها را ارزیابی کنند و ماهرانه به آنها پاسخ دهند، ما شاهد شکل‌گیری‌های پدیده‌های نوین عصر اطلاعات هستیم.

پیشرفت‌های عرصه اطلاعات و سرمایه‌داری باعث شکل‌گیری نگرش‌ها و اصطلاحاتی چون دولت الکترونیک شده است. دولت الکترونیک از سوی بانک جهانی این‌گونه تعریف شده است: «استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در دولت برای حرکت آزاد اطلاعات و خدمات به منظور غلبه بر مرزهای فیزیکی سیستم‌های

کاغذی سنتی و فیزیکی (عباسی و جعفری، ۱۳۸۳: ۱۶۰-۱۶۱). که کاملاً متکی به تکنولوژی اینترنت و ارتباطات الکترونیکی می‌باشد." این مسائل تا حد زیادی به تحول در نگرش دولتمردان و مدیران سازمان‌های مختلف نسبت به موضوع برخورد با مشتری (شهروند) برمی‌گردد تا ساختار این سازمان‌ها متناسب با نیازهای روز بازتعریف گردد. (مجیدی، اسمعیل زاده و فرهنگ، ۱۳۸۶: ۱۳۱). هدف از ایجاد دولت الکترونیک نیز ایجاد تعامل فعال‌تر، آسان‌تر و شفاف‌تر عمدتاً با شهروندان، بخش‌های کسب و کار و سایر نهادهای دولتی است (عباسی و جعفری، ۱۳۸۳: ۱۶۰-۱۶۱) که در راستای کسب سود و اهداف اقتصادی و سیاسی می‌باشد.

اینترنت همچنین رسانه‌ای از فعالیت‌های عملی- اجتماعی است یعنی استفاده از اینترنت به شدت به توان دانش، مهارت‌ها و منابع وابسته است (اسلوین، ۱۳۸۰: ۱۰۳). اینترنت به فضایی تعلق دارد که در آن دانش اشتراکی است و ایده‌ها در آن شکل می‌گیرد (اسلوین، ۱۳۸۰: ۶۹). اینترنت مکان بندی زندگی اجتماعی بدان سان که در جوامع سنتی مشهود بود، را دگرگون کرده است. در این میان مسئله‌ای که پیش روی ماست تحول رابطه میان مکان با هویت و معرفت انسانی و اجتماعی است. رابطه سنتی میان فرهنگ و قلمروهای جغرافیایی در حال تبدیل به رابطه‌ای جدید است. در موقعیت جدید انسان‌ها و جوامع از دایره تنگ و محدود کننده‌ی زمان فراتر رفته‌اند و در گستره‌ای پهناور از فضا و زمان با یکدیگر رابطه برقرار می‌کنند (کارنکراس، ۱۳۸۴: ۱۶). در فراسوی این ساختار تکنولوژیک انسان‌هایی با خصوصیات بسیار متفاوت و تنوع فرهنگی گسترده قرار دارند و بدیهی است که درباره چگونگی برخورد و تحمل این جوامع بشری و دست کم قسمت اعظم از آنها با تحولاتی که در آگاهی‌ها، نگرش‌ها، روابط، ارزش‌ها و فعالیت‌هایشان روی می‌دهد (محسنی، ۱۳۸۰: ۱۱۵) این سوال مطرح است که آیا آنها به‌طور کامل در این فضا ذوب خواهند شد؟ آیا انسان‌ها و جوامع درگیر با فضای مجازی و سطح گسترده‌ای از اطلاعات، پیوندهای خود را با دنیای واقعی که در آن رشد و تکامل پیدا کرده‌اند، خواهند گسست؟ و یا بالعکس اینترنت و فضای مجازی تنها به عنوان بخشی مهم و سودمند از زندگی واقعی انسان‌ها که در آن افراد به دنبال افزایش آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی هستند و به عنوان بخشی از زندگی مدرن به دنبال اهداف اقتصادی و تجارت جهانی خواهند رفت؟

عصر اطلاعات، دولت‌ها را نیز از اصول تعریف شده و ستفالی دورتر می‌کند؛ مزرها استحکام سده‌های گذشته را ندارند؛ گستره تجارت و اقتصاد جهانی هر روز کشوری تازه را به آغوش خود می‌کشد. تجربه انزوای کشورهای چون لیبی، کره شمالی و سردمدار آنها اتحاد جماهیر شوروی سابق نشان از شکست دارد، اما این آیا به

معنای همسانی و ادغام کامل در یک هویت به نام اقتصاد و تجارت جهانی و اجتماعات مجازی و یکسانی فرهنگی است؟ نگاهی به عرصه جغرافیای سیاسی زمین و ژئوپلیتیک جهانی چیز دیگری می‌گویند رشد افراطی‌گری‌های اسلام‌گرایان در کشورهایی چون پاکستان و افغانستان، شکل‌گیری نظام ژئوپلیتیک مذهبی در خاورمیانه در چارچوب مذاهب سنی و شیعه اسلامی و دین یهود در اسرائیل، تضاد و دشمنی سیک‌ها و هندوهای هندی با مسلمانان پاکستان، تجمعات میلیونی پیروان مذاهب مختلف در اماکن مذهبی، تأکید و تبلیغات کشورهای ازبکستان و ترکمنستان بر هویت (ترک پایه) ملی خود، تأکید کشورها به تکلم و نوشتار به زبان‌های رسمی ملی‌شان به طوری که بر اثر رشد آگاهی‌ها و تعصبات هویتی جوامع و گروه‌ها، ابزار نظامی کارایی خود به نسبت گذشته را از دست داده است، دیگر صرف داشتن نیروی نظامی مقتدر برای غلبه بر دشمن کافی نیست. به طوری که جوزف. اس. نای در تشریح سیاست خارجی آمریکا می‌گوید: “در دنیای امروز بهتر است دیگران را در وضعیتی قرار دهیم که آنچه ما می‌خواهیم، آنها طلب کنند. یوگسلاوی سابق، کشوری با پنج ملیت، چهار زبان، سه مذهب و دو خط نوشتاری به حساب می‌آمد، این ناهمگونی‌های شدید مرزی و جمعیتی از زمان پایان جنگ سرد تا کنون حدود ۳۰ منازعه و درگیری را پدید آورده که بسیار از آنها هنوز در جریان است. در این شرایط مشخص نیست کدام سطح هویتی، استحقاق برخورداری از حاکمیت را داراست، یعنی سطح ملیت، گروه قومی، زبانی یا مذهبی، هرچند تحمیل و تأکید دوباره بر هویتی خاص به شدت استوار شده است” (نای، ۱۳۸۷: ۸۶).

حکومت‌ها حداقل در کشورهای کمتر توسعه یافته بر اساس احساس تعلق به یک ایدئولوژی یا مذهب، فرهنگ و یا نژاد و ملت خاص تعریف شده‌اند.

در چنین جهانی اقتصاد سرمایه‌داری و جهانی شدن دورنمایی روشن و مثبت از خود نشان داده است. ابزار اینترنت قواعد زیاد اقتصادی و اجتماعی را دگرگون کرده است، دولت‌ها دریافته‌اند که خط مشی اطلاعاتی فقط به قانونمند کردن دسترس پذیر اطلاعات محدود نمی‌شود و تا اندازه‌ای تنظیم خود بازار اطلاعات را نیز دربرمی‌گیرد. در این میان دولت‌ها به سوی تشکیل اجتماعات مجازی و جامعه اطلاعاتی خاص و منطبق با ملت‌های خود گام بر-داشته‌اند. دولت‌ها با سهولت نسبی کانال‌های پخش زمینی و اطلاعات چاپی سنتی را مسدود یا محدود می‌کنند. شماری از کشورها از طریق ایجاد پالاینده بر محتویات اینترنت، یا محدود و مسدود کردن استفاده از جستجوگرهای خاص و یا مسدود کردن کانال‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای اقدام به این کار می‌کنند (داتن، ۱۳۸۴: ۷۲-۷۱)، که در راستای ساخت جوامع موازی با جوامع ملی واقعی در درون مرزهای کشورهاست. باید گفت اجتماعات جغرافیایی یا

ملت‌ها و دولت‌های دارای حاکمیت، همچنان تا آینده‌ای دور به ایفای نقش عمده خود در سیاست جهانی ادامه خواهند داد اما توداری آنها کمتر خواهد شد و نفوذ پذیری آنها نیز افزایش خواهد یافت (نای، ۱۳۸۷: ۱۵۱).

فرایند زمینه سازی برای ایجاد جامعه اطلاعاتی در اروپای غربی، حداقل در سطح اتحادیه اروپا اوایل قرن ۲۱ تمایل آشکاری به ایجاد جامعه اطلاعاتی بر پایه خلق و توسعه‌ی یک «عرصه مشترک اطلاعاتی» را نشان می‌دهد. این عرصه شامل موارد زیر می‌شود:

۱. اطلاعات در قالب رقومی؛

۲. زیرساختارهای فیزیکی از قبیل کابل، رادیو و ماهواره؛

۳. نرم افزارها و سخت افزار رایانه‌ای؛

۴. دسترسی جهانی به خدمات و شبکه مخابراتی؛

۵. تأمین دسترسی کاربران به اطلاعات خاص (دارنلی، فدر، ۱۳۸۴: ۱۱۹-۱۱۶)

دلایل منطقی برای اتخاذ خط مشی واحد در رابطه با جامعه اطلاعاتی اروپایی، در ناهمگونی تاریخی اروپا در مباحث سیاسی، درباره آینده خود اروپا ریشه کرده است. این اتحادیه از نظر فرهنگی و زبانی، ناحیه‌ای متنوع است که ترویج خط مشی هماهنگ جامعه اطلاعاتی را با مشکل روبرو کرده است (دارنلی، فدر، ۱۳۸۴: ۱۲۱). به عبارتی اعضای اتحادیه اروپایی که از ۱۵ کشور با تاریخ، زبان و فرهنگ‌های مختلف تشکیل شده‌اند در مقابل تبدیل شدن به یک اجتماع و ملت واحد مقاومت می‌کنند و تنها خواستار جامعه اطلاعاتی اروپایی که در آن اطلاعات و ارتباطات به صورت آزاد در دسترس همگان قرار گیرد، هستند و دنبال ماهیت تشکیل اتحادیه اروپا که سطحی از توسعه اقتصادی و اجتماعی را برای همه اعضا به دنبال دارد، می‌باشند.

تجزیه و تحلیل

برخی از نظریه پردازان اجتماعات مجازی و تبدیل ملت‌های دنیا به یک جامعه واحد فرهنگی- اجتماعی را رد می‌کنند. اندرسون از چند حس یاد می‌کند که بر اساس آنها می‌توان، اجتماعات امروزی را، اجتماعاتی «خیالی» قلمداد کرد. اول، عضو یک اجتماع خیالی، تعداد زیادی از اعضای همکار خود را نخواهد شناخت و آنها را هرگز نخواهد دید. در اندیشه هر یک از این افراد، فقط تصویر مشارکت همکاران وجود دارد. دوم، آنها به عنوان محدوده‌ای تصور شده‌اند که در آنها حتی اجتماعات بزرگ نیز متناهی‌اند و محدوده‌ای دارند که در آن سایر اجتماعات نیز قابل طرح‌اند.

سوم، این اجتماعات علی‌رغم نابرابری استثماری که ممکن است در بین اعضای آنها وجود داشته باشد، بر این خیال هستند چرا که همواره به عنوان یک مجموعه هم‌تراز و تودار تصور شده‌اند (اسلوین، ۱۳۸۰: ۸۵). فرانک وبستر بر این باور است که دشواری‌های زیادی در اندازه‌گیری آنچه عصر اطلاعات نامیده می‌شود وجود دارد. وی هشدار می‌دهد که اطلاعات به خودی خود معنی ندارد و انسان باید در معنی و چگونگی اندیشه کند. حتی با فراوانی فناوری‌های مرتبط با اطلاعات وبستر از خود می‌پرسد که آیا جامعه‌آنگونه که پسا‌ساختارگرایان ادعا می‌کنند به‌طور عمیق و به اندازه کافی تغییر یافته است یا در آینده تغییر خواهد کرد؟ (آلبرتس، پاپ، ۱۳۸۵: ۵۴-۵۵). بسیاری از آنان که بر تکنولوژی تأکید می‌کنند، نمی‌توانند چیزی این جهانی و مربوط به دنیای حقیقی یا آزمون پذیر عرضه کنند. تکنولوژی اطلاعات آغاز به ظهور می‌کند، همه جا هست ... و در عین حال هیچ جا نیست (وبستر، ۱۳۸۰: ۲۵). هیچ کس تا کنون نتوانسته است معیاری را برای وجود یک جامعه اطلاعاتی تعریف کند، بیشتر نظریه پردازان در سرشت اقتصادی این پدیده اشتراک نظر دارند زیرا محرک و انرژی و ماهیت عمده این پدیده از توجیهات اقتصادی و سرمایه‌داری لیبرال گرفته شده است. برداشت اقتصادی از جامعه اطلاعاتی در بطن خود، هنگامی که به جامعه‌شناسی و امور اقتصادی کشیده می‌شود، مباحث مورد تأکید جغرافی‌دانان درباره فضا را دارد. در اینجا تأکید عمده بر روی شبکه اطلاعاتی است که مکان‌های جغرافیایی را به یکدیگر پیوند می‌دهند و در نتیجه آثار شگفت‌انگیزی بر سازمان زمان و مکان دارند (وبستر، ۱۳۸۰: ۴۴). این نوع برداشت ارتباط مستقیمی با مسئله دولت و حکومت پیدا می‌کند. جوزف. اس. نای به این نکته تأکید می‌کند که برای بسیاری از افراد، دولت ملی منبعی برای هویتی سیاسی است که برای آنها اهمیت دارد. افراد در عصر اطلاعات از این امکان برخوردارند که هویت‌های متعدد همچون خانواده، روستا، گروه قومی، مذهبی، ملیت و حتی تعلقات جهان وطنی داشته باشند. اینکه کدام یک از این هویت‌ها غالب می‌شود، اغلب به بافت اجتماعی مورد نظر بستگی خواهد داشت. در برخی از کشورهای فرا صنعتی و از جمله ایالات متحده، هویت‌های جهانی وطنی همچون «شهروند جهان» یا «پاسدار سیاره زمین» در حال ظهور هستند. این هویت‌های فراگیر به‌طور مستقیم قابل تجربه نیستند و به همین علت آنها در واقع نماینگر «اجتماعات خیالی» هستند که تا حد زیادی تحت تأثیر عامل ارتباطات قرار دارند (نای، ۱۳۸۷: ۱۴۸). به این ترتیب فضای سایبرنتیک جایگزین فضای جغرافیایی نخواهد شد، بلکه با آن همزیستی خواهد کرد (نای، ۱۳۸۷: ۱۵۲). توجه به این نکته جالب است که به رغم استفاده گسترده از کامپیوتر در کلاس‌های درس در کشورهای پیشرفته، مدارس و دانشگاه‌ها نهادهایی هستند که کمترین تأثیر را از منطق

مجازی نهفته در تکنولوژی اطلاعات پذیرفته‌اند. دلیل این وضعیت آن است که کیفیت آموزش هنوز به میزان ارتباط رو در رو بستگی دارد و این وضعیت برای مدتی طولانی همچنان ادامه خواهد داشت (کاستلز، ۱۳۸۵، ۴۶۱) این مسائل خود تا حدود زیادی نشان دهنده ادامه حیات ملت‌ها و حکومت‌ها تا آینده‌های دور است و مسائلی همچون ملت‌های مجازی و یا جوامع مجازی در سایه ملت‌های واقعی و مکمل آنها در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی و اجتماعی وجود خواهند داشت و بخش انکار ناپذیر و توجیه شده عصر نوین اطلاعات و سرمایه‌داری را تشکیل می‌دهند.

نتیجه‌گیری

تحقیق بازنمایی مفهوم ملت در فضای مجازی در قالب مفهوم جغرافیای سیاسی فضای سایبر، انجام شده است. بر طبق این تحقیق، تکیه‌گاه فضای مجازی، فضایی واقعی می‌باشد و در واقع فضای مجازی در حکم یک ابزار در دست فضای واقعی عمل می‌کند و فضای مجازی ماهیت ابزاری برای فضای واقعی دارد و ما برای رسیدن به اهداف از فضای مجازی استفاده می‌کنیم. پس فضای مجازی هم تکیه‌گاهش فضای واقعی است و هم به عنوان ابزاری در دست فضای واقعی عمل می‌کند. تأثیر و تأثر فضای مجازی و واقعی نسبت به یکدیگر متقابل می‌باشد، هر چند تأثیر پایه و غالب از آن فضای واقعی است. مکانیسم تأثیر فضای مجازی بر فضای واقعی به این صورت می‌باشد که فضای مجازی با تبدیل مفاهیم و عناصر فضای واقعی به عناصر و مفاهیم مجازی و در دسترس قرار دادن آنها با کمترین محدودیت‌های فضایی، مکانی، جغرافیایی و زمانی، فضای واقعی و افراد و هویت‌های ملی را مورد تأثیر قرار می‌دهد که از آن با عنوان «تعامل‌های دوج جهانی» نام می‌برند. بنابراین بر خلاف تصور برخی افراد، از دید جغرافیای سیاسی فضای مجازی به جای تضعیف هویت‌های ملی و قومی و در کل ملت‌ها باعث تقویت، پایداری و رشد احساسات قومی و ملی و نیز احساسات و تعلقات مکانی افراد می‌شود. در نتیجه اصالت با فضای واقعی و جغرافیایی بوده و فضای مجازی فاقد اصالت می‌باشد که در نتیجه مفهوم ملت در فضای واقعی اصیل و پایدار بوده و در فضای مجازی مفهوم ملت فاقد اصالت، پایداری و غیر قابل بازنمایی می‌باشد.

در واقع جهانی شدن با انقلاب ارتباطات پیوند نزدیک دارد. این پدیده با ایجاد تحول در مفاهیم مکان و زمان به شکل‌گیری و ظهور جوامع اطلاعاتی، مجازی و شبکه‌ای و در نتیجه فراهم آمدن منابع جدید ملت کمک می‌نماید. این منابع موجب می‌شوند تا مرزهای هویتی انسان در جهان جدید نفوذ پذیرتر تلقی گردد. از این رو می‌توان

استدلال کرد که انسان کنونی همزمان تحت تأثیر دو عامل جوهرگرایی و تاریخ باوری قرار دارد از این رو در مسیر عینیت بخشیدن به توانایی‌های خود از انتخاب‌های بسیاری نیز بهره‌مند می‌گردد.

منابع و مآخذ

۱. آشوری، داریوش (بی‌تا) ملیت و قومیت ایران از امپراتوری به دولت - ملت؛ ماهنامه *ایران فردا*، سال سوم، شماره ۱۸.
۲. آقاپور، جلیل (۱۳۸۵) نقش هویت در شکل دهی ملت و امت؛ *روزنامه همشهری*، شماره پیاپی ۳۹۷۱، ص ۱۷.
۳. آلبرتس، دیوید س و دانیل. س. پاپ (۱۳۸۵) گزیده ای از عصر اطلاعات، الزامات امنیت ملی در عصر اطلاعات؛ ترجمه علی علی آبادی و رضا نخجوانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. ابو، ریچارد (۱۳۸۵) امپریالیسم سایبر روابط جهانی در عصر جهانی الکترونیک؛ ترجمه: پرویز علوی؛ تهران: انتشارات ثانیه.
۵. اسلوین، جیمز (۱۳۸۰) اینترنت و جامعه، ترجمه: عباس گیلوری و علی راد باوه؛ تهران: نشر کتابدار.
۶. افشار زنجانی، ابراهیم و دیگران (۱۳۸۷) اینترنت، جنبه های نظری و کاربردی آن؛ تهران: نشر کتابدار.
۷. برتون، رولان (۱۳۸۰) قوم شناسی سیاسی؛ ترجمه: ناصر فکوهی؛ تهران: نشر نی.
۸. بشیریه، حسین (۱۳۸۰) آموزش دانش سیاسی؛ تهران: موسسه نگاه معاصر.
۹. تروث، والتر و اندرسون (۱۳۸۵) جامعه ها در جهانی با نظام‌های باز؛ ترجمه: زهره عباسی؛ *مجله پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران*، دوره ششم، شماره ۲.
۱۰. جونز، رایس؛ جونز، مارتین و وودز، مایکل (۱۳۸۶) مقدمه ای بر جغرافیای سیاسی؛ ترجمه: زهرا پیشگاهی فرد و رسول اکبری؛ انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. حسینی، زینب (۱۳۸۵) جزوه درس فضای مجازی دکتر عاملی؛ گروه ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران - www.afiab.ir/articles/subcategory.php?id=219
۱۲. داتن، ویلیام (۱۳۸۴) دگرگونی اجتماعی در جامعه اطلاعاتی؛ ترجمه: محمود توکل و ابراهیم کاظمی پور؛ تهران: کمیسیون ملی یونسکو.
۱۳. دارنلی، جیمز و جان فدر (۱۳۸۴) جهان شبکه ای، در آمدی بر نظریه و عمل در باب جامعه اطلاعاتی؛ ترجمه: نسرين امين دهقان و مهدی محامی؛ تهران: نشر چاپار.
۱۴. رابرتسون، رونالد (۱۳۸۰) جهانی شدن؛ ترجمه: کمال پولادی؛ تهران: نشر ثالث.
۱۵. سروی زرگر، محمد (۱۳۸۷) نگاهی به مفهوم هویت در فضای مجازی؛ www.hccmr.com/news.aspx?id=456.
۱۶. عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۴) شهر مجازی ضرورت بنیادین برای کلان‌شهرهای ایران؛ *فصلنامه انجمن فرهنگ و ارتباطات*، بهار و تابستان ۱۳۸۴، شماره ۲ و ۳، صص ۱۱۷-۱۳۴.
۱۷. عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۳) صنعت همزمان ارتباطات و دو فضائی شدن فرهنگ؛ *مجله دیدگاه*، سال اول، شماره ۱ و ۲، صص ۱-۲۴.
۱۸. عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۴) دو جهانی شدن‌ها و آینده هویت‌های همزمان؛ *مجموعه مقالات همایش «هویت ملی و جهانی شدن»*؛ موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی دانشگاه تهران، صص ۳۹-۶۰.
۱۹. عباسی، زینب و فتانه جعفری (۱۳۸۳) بررسی جایگاه دولت الکترونیک در ایران طبق مدل گاتنر و ارتباط آن با صنعت؛ *مقاله نامه کنفرانس ملی فناوری اطلاعات و صنعت ایران*، یزد.
۲۰. قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۳) جهانی شدن و جهان سوم، ج ۲؛ تهران: وزارت امور خارجه.
۲۱. کارنکراس، فرانسیس (۱۳۸۴) زوال فاصله ها، چگونه انقلاب ارتباطات زندگی ما را تغییر خواهد داد؛ ترجمه: نصرالله جهانگرد و همکاران؛ تهران: دبیر خانه شورای عالی اطلاع رسانی.
۲۲. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵) عصر اطلاعات ظهور جامعه شبکه‌ای، ج ۱؛ ترجمه: احد علیقلیان و افشین خاکباز؛ تهران: انتشارات طرح نو.
۲۳. گل محمدی، احمد (۱۳۸۱) جهانی شدن فرهنگ و هویت؛ تهران: نشر نی.

۲۴. گل محمدی، احمد (۱۳۸۴) گفتمان‌های هویت ساز در عصر جهانی شدن (رابطه قدرت-مقاومت در بازسازی هویت ملی)؛ مجموعه مقالات همایش هویت ملی و جهانی شدن؛ تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی دانشگاه تهران، صص ۶۱ - ۸۰.
۲۵. گبینز، جان آر و ریمر، بو (۱۳۸۱) سیاست پست مدرنیته: درآمدی بر فرهنگ و سیاست معاصر؛ ترجمه: منصور انصاری؛ تهران: انتشارات گام نو.
۲۶. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱) جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی؛ تهران: انتشارات سمت.
۲۷. مجیدی، میثم و دیگران (۱۳۸۶) راه‌های تحقق شهروند مداری با توجه به ماموریت های سامانه ۱۳۷؛ مقاله نامه کنفرانس ملی مدیریت ارتباط با مشتری/شهروند، دانشگاه تربیت مدرس، صص ۲۴-۲۵.
۲۸. محسنی، منوچهر (۱۳۸۰) جامعه شناسی جامعه اطلاعاتی؛ تهران: انتشارات آگاه.
۲۹. محمدی، ستار (۱۳۸۵) مصالح هویت، ویلاگ عصر ارتباطات؛ www.smtalvar.blogfa.com
۳۰. منوچهری راد، نفیسه (۱۳۸۷) فرهنگ مجازی و هویت‌های مجازی، پایگاه اینترنتی باشگاه اندیشه. www.bashgah.net
۳۱. میرحیدر، دره و محمد رئوف حیدری فر؛ (۱۳۸۵)؛ تحول مفهوم سرزمین در عصر جهانی شدن؛ فصلنامه ژئوپلیتیک، صص ۱-مویر، ریچارد (۱۳۷۹) درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی؛ ترجمه: دره میرحیدر؛ تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۳۲. نای، جوزف. اس (۱۳۸۷) قدرت در عصر اطلاعات، از واقع گرایی تا جهانی شدن؛ ترجمه سعید میرترابی؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۳. واترز، مالکوم (۱۳۷۹) جهانی شدن؛ ترجمه: اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی؛ انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
۳۴. ویستر، فرانک (۱۳۸۰) نظریه‌های جامعه اطلاعاتی؛ ترجمه: اسماعیل قدیمی؛ تهران: نشر قصیده سرا.
۳۵. ویستر، فرانک (۱۳۸۴) اطلاعات و اندیشه جامعه اطلاعاتی (جامعه مبتنی بر اطلاعات)؛ ترجمه: بهزاد دوران و گودرز میرانی؛ مجله الکترونیکی مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، دوره اول شماره ۲۰.
۳۶. ویلیامز، مارک (۱۳۷۹) بازاندیشی در مفهوم حاکمیت، تأثیر جهانی شدن بر حاکمیت دولت؛ ترجمه: اسماعیل مردانی گیوی؛ اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۵۵-۱۵۶.
۳۷. هابز بام، ای جی (۱۳۸۱) ملت و ملی گرایی؛ ترجمه: جمشید احمد ور؛ تهران: نشر نیکا.
38. Dikshit, R.D (1995) Political geography. 2nd ed. New Dehli: Tata. Mc Grow- Hill pub. Co.
39. Duff, A. (2000) Information Society Studies, London & New York: Routledge.
40. Gellner, E. (1983) Nation and Nationalism, Oxford: Blackwell.
41. Gellner, E. (1964) Thought and Change, London: Weidenfeld and Nicolson.
42. Mc.Grew (1996) A Global Society. In: hall, Held and Mc Grew (eds) Modernity And its Future.
43. Ohmae, K. (1991) The Borderless World: Power and Strategy in: interlinked Economy, New York: Harper.
44. Scholte, J. A. (1993) The International Reactions of Social Change, Buckingham: Open University Press. ■